

روستا و روستانشینی در ایران

دکتر سید حسن مطیعی لنگرودی

استاد جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

زندگی روستایی در ایران با تحولات بسیار همراه بوده که عمدتاً متأثر از کارکردهای جغرافیای طبیعی این سرزمین و نحوه تصمیم‌گیری زمامداران و سران حکومت وقت - به ویژه مالکان و اربابان روستاها - بوده است. این تأثیرگذارها سبب ایجاد کارکردهای متفاوت در نواحی روستایی، در مقاطع مختلف زمانی و مکانهای گوناگون گردیده و زمینه‌ساز ارائه تعاریف گوناگونی از روستا و روستانشینی شده است. بسیاری از این تعاریف، مغایر با ویژگیها و کارکردهای کونی روستاهای ایران است. شیوه روستانشینی نیز، با توجه به تحولات مداومی که در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زندگی روستایی ایران به وجود آمده است، شکل و حالتی متفاوت با روستانشینی گذشته به خود گرفته است.

واژه‌های کلیدی: کلاته، فضای روستایی، رستاک، دهگان، کدخدا.

مقدمه

شناخت دقیق مسائل مربوط به روستاهای ایران از اهمیت بسیار برخوردار است؛ زیرا ریشه تمامی مشکلات و مسائل عقب‌ماندگی، مثل فقر گسترده، نابرابری در حال رشد، رشد سریع

جمعیت و بیکاری فزاینده، در مناطق روستایی قرار دارد.^(۱) عدم شناخت مسائل روستاها و نیز عدم برنامه‌ریزی مناسب، با توجه به تعریفی درخور کارکرد فعلی روستاهای ایران، سبب افزایش مهاجرت‌های روستایی - شهری، و افزایش مسائل و مشکلات شهرها گردیده و علاوه بر روستاها، شهرها را نیز با مشکلات بسیار مواجه کرده است. بنابراین روستا و روستانشینی در ایران، جدای از شهر و شهرنشینی نبوده و نخواهد بود. چنانچه با این تصور به روستا بنگریم که؛ روستا محیطی بسته با امکانات و کارآیی محدود می‌باشد، و یا توجه به بسیاری از تعاریف مربوط به روستا، که فضای روستایی را محیطی صرفاً برای فعالیتهای کشاورزی خودمصرفی قلمداد می‌نمایند، توسعه روستایی در چنین شرایطی و با وجود چنین تفکری عقیم خواهد ماند. روستا محیط کار، تلاش و تولید است. این فعالیتها می‌تواند در تمامی بخشهای اقتصادی که امکان آن در فضای روستایی وجود دارد، عملی گردد. ایجاد تنوع در فعالیتهای روستایی، سبب ایجاد انواع مشاغل تبعی و پویایی فضا گردیده و تنوع در فعالیتها و مشاغل، فضای روستایی را تبدیل به محیطی دلنشین برای زیست جامعه روستایی می‌نماید.

تعریف روستا

شکل‌گیری روستاها وابسته به امکانات تولیدی موجود در بعضی از مکانها و فضاها بوده است. قدرت تولیدی این مکانها که در گذشته‌های دور عمدتاً وابسته به تولیدات کشاورزی - زراعت و باغداری، دامداری، صید و شکار و ماهیگیری - بوده است، سبب تجمع انسانها در مکان، و عامل تشکیل روستاها، که همان هسته‌های اولیه تمرکز جمعیتی می‌باشند، گردیده است. رشد تعدادی از این روستاها، عامل ظهور مراکز جمعیتی وسیعتر از روستاها، همچون شهرها شده است.

در منابع مختلف، تعاریف گوناگونی از روستا شده است؛ از جمله در فرهنگهای فارسی روستا

را ده و قریه نوشته‌اند. دهخدا در لغت‌نامه می‌نویسد: روستا در زبان پهلوی رستاک* که معرب آن رستان**، رزداق***، رسداق**** است، به معنی ده و قریه آمده است.^(۲)

این حوقل روستا را منظومه و مجموعه‌ای از مزارع، دهات و قصبات می‌داند که هر یک از اسامی یاد شده مفاهیم خاص خود را داشته و مشخص‌کننده درجه اهمیت محلی آن بوده است و نیز درای زیربخشها یا مراکز درجه دوم یا سوم و چهارمی از قبیل قصبه (آبادی مرکزی)، قریه (آبادی مستقل)، قلعه و کلاته (کوچکتر از قریه) و مزرعه (فضای کشت و کار) بوده، که ممکن است دارای چند خانواده باشد، و بازار عینی در مرکز نزدیک به آن ساکن باشند. در دهات قلعه‌ای نیز که به مناسبت تأمین امنیت محصور بوده‌اند، در مواردی جمعیتی متناسب یک قصبه در آن جای داشتند که مرکب از چند قلعه بوده‌اند. تعداد قلعه‌ها و تعداد برجهای هر قلعه نشانگر عظمت و جمعیت آنها بوده؛ اما روستا نامیده نمی‌شده است.^(۳) بنا بر تعاریف ابن حوقل، مشخص است که مکانهای جمعیتی در گذشته با توجه به تعداد جمعیت، وسعت و امکانات آنها، عناوین خاص خود را داشته و نابل تفکیک از یکدیگر بوده‌اند.

روستا ناحیه‌ای است در خارج شهر، مشتمل بر چند ده و مزرعه که در آن تولید روستایی حاکم است. روستا به معنی ده و قریه است.^(۴)

ز لحاظ لغوی، ده یا دیه از فارسی باستان دهیو*****، به معنی سرزمین کشور و ناحیه آمده است. جامعه دودمانی ایران کهن از لحاظ تقسیمات، مبتنی بر چهار قسمت بوده و این قسمتها عبارت بودند از: خانه (نمانه)*****، ده (ویس)*****، قبیله (زنتو)***** و کشور (دهیو). در ایران کهن، اغلب دهقانان در رأس دیه‌ها قرار داشتند؛ در دوره ساسانیان رییس ده را

** Rus. tak

*** Ros.taq

**** Roz.daq

***** Rcs.daq

***** Deh.yu

***** Na.ma.ne

***** Veys

***** zan.ta

دهگان* می‌گفتند؛ در دوره اسلامی و احتمالاً از قرن سوم هجری به بعد، به تدریج رییس ده به کدخدا تبدیل نام یافت. ^(۵) بنابراین ایرانیان قدیم رستاق (مشتق از روژه فستا** که روژه به معنی سطر، صف و سفره، و فستا به معنی حال و وضع است و مجموعاً، یعنی آنچه به صف و منظم باشد) را برجایی که دارای مزارع و قری باشد، اطلاق می‌کنند و هرگز شهرهایی از قبیل بصره و بغداد را رستاق نمی‌خوانند و آن معادل "سواد" مصطلح مردم بغداد بوده و از کوره و استان اخص است. ^(۶) بدین ترتیب معلوم می‌گردد که متقدمان مفهوم روستا را به معنی رستگاه و عموماً وسیعتر از ده می‌دانسته‌اند. این روند، یعنی روستا را به عنوان یک منطقه در نظر گرفتن و اهمیت دادن به تولیدات کشاورزی در آن، همچنان از زمان هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان و تمامی ادوار پس از آن، تا اصلاحات ارضی رژیم گذشته ادامه داشته است.

نویسندگان معاصر نیز کوشیده‌اند تا به ارائه تعریفی از روستا بپردازند و هر یک در تعریف خود به برخی از جنبه‌های روستا اشاره نموده‌اند. برخی به وسعت روستا و یا به تعداد جمعیت، و تعدادی نیز به نقش روستا و نوع مسکن آن توجه داشته‌اند. در این مورد در منابع مربوط به زندگی روستایی چنین آمده است: «از قدیمیترین زمانها، دهکده یک واحد تشکیلاتی بوده که اساس حیات اجتماعی ایران را تشکیل داده است، و جایی بوده که در آن دسته‌هایی از مردم خود را برای همکاری اقتصادی و سیاسی متشکل می‌کرده‌اند و اهمیت ده به اعتبار این بوده که یک واحد تشکیلاتی در زندگی روستایی است. ^(۷) در گذشته، صف روستا به مناطقی که دارای جمعیت نسبی کمی بوده و همراه با مسکن کوچکی، که در انزوای نسبی نسبت به مناطق اطراف خود قرار داشت، اطلاق می‌شد. در چنین مناطقی، زراعت پایه اقتصادی عمده را تشکیل داده، راه و روش زندگی به طور مستدلی متجانس و با آنچه که در سایر قسمت‌های جامعه، مثلاً در شهر وجود داشت، متفاوت بود. ^(۸)

لافورژ* در این مورد می‌نویسد: جمعیت کمتر از ۲۰۰ یا ۵۰۰ نفر با انواع مناسبات و پیوستگیهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاص هر محیط، مشخصه‌ای برای روستا و جمعیت ساکن آن می‌باشد؛ یا سرزمینی که در آن از نظر درصد اراضی، یک برتری و فزونی در بهره‌برداری کشاورزی و دامداری و جنگلکاری دیده می‌شود و یا یک کمبود و ضعف شدید امکانات تأسیسات رفاهی مشاهده گردد.^(۹)

روستا صورتی است از استقرار انسان بر سطح زمین، که قادر است تمام مایحتاج سال خود را از درون خود تهیه کند. بنابراین، ده در بنیاد کار، واحدی است طبیعی و اجتماعی، با اقتصادی بسته، که تمام شرایط اتکای به خویش را از لحاظ سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در خود جمع دارد. بر این اساس، روستا کوچکترین واحد جمعیتی، اقتصادی و جغرافیایی است که در آن نوعی کلکتیویسم اقتصادی، اجتماعی و عمرانی قابل تصدیق است.^(۱۰)

قانون اصلاحات ارضی مصوب دی ماه ۱۳۴۰، ده را چنین توصیف کرده است: «ده عبارت است از یک مرکز جمعیت و محل سکونت و کار تعدادی خانوار، که در اراضی آن به عملیات کشاورزی اشتغال داشته و درآمد اکثریت آن از طریق کشاورزی حاصل گردد و عرفاً در محل، ده یا قریه شناخته شود.»^(۱۱)

روستا عمدتاً یک واحد همگن طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی است که از یک مرکز جمعیت و محل کار و سکونت (اعم از متمرکز بیوسته و یا پراکنده) با حوزه و قلمرو معین ثبتي و یا عرفی تشکیل می‌شود و اکثریت ساکنان شاغل دائمی آن، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، به یکی از فعالیتهای اصلی زراعی، باغداری، دامداری صیادی، صنایع روستایی و یا ترکیبی از این فعالیتهای اشتغال دارند و از آن ارتزاق می‌نمایند و پیوند فرهنگی و اجتماعی عمیقی مابین جامعه آن برقرار است و در عرف به عنوان آبادی، قریه و یا نهایتاً روستا و یا ده شناخته می‌شود.^(۱۲)

روستا یک واحد جغرافیایی است که عوامل پیچیده انسانی در شکل‌گیری آن دخالت دارند. (۱۳) روستا پدیده‌ای زنده و پویاست که همچون هر موجود زنده دیگری دارای عناصر تشکیل دهنده و کارکرد مکمل این عناصر می‌باشد. در واقع روستا یک سیستم به هم پیوسته است که توجه به آن نیازمند کل‌نگری از دیدگاه سیستمی و یکپارچه‌نگری از دیدگاه برنامه‌ریزی است. (۱۴)

روستا در ارتباط با طبیعت قرار دارد و از آن احتیاجات اولیه و معیشتی خود را فراهم می‌کند. بنابراین روستا خودکفاست و به عبارتی، وجود آن در برآوردن نیاز اولیه بشر بستگی به شهر ندارد. (۱۵)

ژان رنار* نیز سرزمینی را که آنجا استقرار جمعیت با تراکم ضعیف، فعالیت کشاورزی مهم و تعداد خدمات نسبتاً کم باشد، فضای روستایی می‌داند. (۱۶)

به نظر پیرژرژ، مجموعه زمینهایی که روی آن گروه اجتماعی متحدی - که اتحاد آنها بر پایه روابط خانوادگی، فرهنگی و سنین کم و بیش زنده و دیرپای مشترکی شکل می‌گیرد - به گونه همکاری و تعاون کار کرده و از آن زمین بهره‌برداری می‌کنند، به سرزمین روستا معروف است. (۱۷)

عواملی چند سبب ایجاد تفاوت بین فضاهای شهری و روستایی می‌گردد، که از آن جمله می‌توان به تعداد جمعیت، قدرت خدمات‌دهی فضا از نظر اداری، آموزشی، درمانی، بهداشتی و کارکردهای اقتصادی و سیستم تولیدی فضا را برشمرد. (۱۸)

نقطه روستایی به مجموعه یک یا چند مکان و اراضی به هم پیوسته اعم از کشاورزی و غیرکشاورزی گفته می‌شود که خارج از محدوده شهرها واقع شده و دارای محدوده ثبتي یا عرفی مستقل باشد. اگر در زمان سرشماری، محل سکونت خانوار یا خانوارهایی باشد، دارای سکنه و در غیر این صورت خالی از سکنه تلقی می‌شود. (۱۹)

در تعریف زیر، فرق بین ده و قریه با روستا عنوان شده است: ده و قریه، سکونت‌گاه و جامعه کوچکی با مفهومی محدودتر نسبت به روستا است و یک واحد معبشتی است که در یک فضای جغرافیایی مستقر و شکل گرفته باشد؛ ولی روستا شامل ده یا قریه، به انضمام مزارع و فضاهای مربوط به مراتع و باغات و پوشش طبیعی اطراف آن است. گاه بعضی از مزارع ممکن است تابع دهی نبوده و به خودی خود استقلال داشته باشند که در این صورت، یا اجتماع کوچکی در آن استقرار دارد، مثلاً یک خانواده و یا بیشتر، و یا خانواری بر روی آن اسکان نیافته است، که در هر صورت به آن مزرعه (کلاته) می‌گویند و مفهوم آن در فارسی، فضای روستایی است. (۲۰)

روستا عبارت است از فضایی اجتماعی که در آن با توجه به تراکم نسبی ناچیز جمعیت، نوع خاصی از فعالیتهای اقتصادی - عمدتاً فعالیتهای کشاورزی - غلبه دارد. در این نوع اجتماع، فعالیتهای بخش صنعت و بخصوص بخش خدمات و بازرگانی محدود است. روابط اجتماعی - اقتصادی سکونت‌گاههای روستایی، معمولاً در عرصه‌هایی محدود و مشخص جریان دارد و ساکنان روستایی هویت اجتماعی مشترکی دارند که با نام روستا مشخص می‌گردد. این مجموعه مکانی - فضایی مبتنی بر روابط اجتماعی - اقتصادی خاص و بستگیها و پیوندهای ویژه محیطی - اکولوژیک، اجتماع مبنی را به وجود می‌آورد که می‌توان آن را فضای روستایی خواند. (۲۱)

روستا پهنه‌ای جغرافیایی و واحد برنامه‌ریزی است که معیشت اکثر سکنه آن، از داد و ستد متقابل بین عوامل تجدیدپذیر طبیعی و رفتار انسان حاصل می‌شود و دارای نقش اصلی کشاورزی، دامداری و دامپروری، باغداری و نیز صنایع و خدمات بسته است و سکونت‌گاههای کوچک و بزرگ همگن واقع در آن پهنه، هر یک نام و نقشی جداگانه داشته، جای مشخص و نقش تکامل‌دهنده خاص خود را در مجموعه روستا دارا می‌باشند. (۲۲)

امروزه متداول‌ترین شاخص تفکیکی روستا از شهر، شاخص جمعیت کمتر از ۱۰۰۰۰ نفر در نظر گرفته می‌شود و همه نقاطی که جمعیت کمتر از حد نصاب شهری دارند، با وجود نوع معیشت

غیرروستایی، روستا نامیده می‌شوند. (۲۳)

می‌توان گفت که روستا بنا به ماییت خویش، متناسب با ساختار فرهنگی، اجتماعی-اقتصادی و به ویژه محیط جغرافیایی دارای سازماندهی درونی و کالبدی ویژه‌ای در زمینه نوع یا شیوه زندگی معنوی و نادی خود می‌باشد. بالطبع وجود ساختار یا سازماندهی اثرات و پیامدهای خویش را بر چهره زمین و از جمله در بخش مسکن نیز بروز می‌دهد. تفاوت بسیار آشکار در بین انواع تعاریف ارائه شده وجود دارد؛ این تفاوتها دلیلی بر درستی و یا نادرستی هر یک از این تعاریف نمی‌شود؛ زیرا مقاطع زمانی و مکانی متفاوت و ناهمسانی چشم‌اندازهای جغرافیایی و گوناگونی فضاهای روستایی از نظر طبیعی و فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و نیز نگرش‌های زمامداران، بدیران و برنامه‌ریزان در مقاطع زمانی مختلف و همچنین در سرزمینهای گوناگون، سبب برداشتی متفاوت نسبت به یک پدیده می‌شود که مسلماً در تعریف از آن پدیده نیز تأثیرگذار می‌باشد. در تعاریف از روستا نیز این حالت مشاهده می‌گردد.

در این تعاریف: به تعداد جمعیت، مناسبات و پیوستگیهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، آداب و سنن ناحیه‌ای، همکاری و تعاون جمعیتی، کوچکی واحد سیاسی با حوزه و قلمرو معین ثنی و عرفی، وجود پیوند عمیق فرهنگی در جمعیت روستایی، نوع تولید و بهره‌وریهای اقتصادی، خودکفایی زیستی و تولیدی همراه با محدودیت اقتصادی، دارای نقش اصلی تولیدی کشاورزی (زراعت و باغداری، دامداری، صید و شکار و...)، صنایع دستی، ضعف تأسیسات و امکانات رفاهی، امکانات آموزشی، بهداشتی-درمانی و کارکردهای اقتصادی و سیستم تولیدی در نواحی روستایی توجه شده است. باید این واقعیت را پذیرفت که در حال حاضر، روستاها از نظر کارکردی به کلی دگرگون شده‌اند. سطح سواد و آگاهی در نواحی روستایی نیز افزایش یافته و ارتباط روستاها با نواحی شهری حالت تشدید می‌یابد. بسیاری از خانوارهای روستایی دارای فرزندان و خویشاوندان ساکن در نواحی شهری می‌باشند و در مواردی متعدد، و

حتی در کارکردها و تصمیم‌گیریهای مربوط به محیط روستایی، از آنان الگو می‌گیرند. بنابراین حالتی از یکسانی کارکردی نسبت به شهرها، در نواحی روستایی در حال تکوین است. از سوی دیگر، برای کارکردن فعالیتها در نواحی روستایی و ایجاد اشتغال و درآمد بایسته در این نواحی، پویا کردن اقتصاد روستایی امری ضروری است. در این مقطع زمانی بسنده کرده به فعالیتهای کشاورزی (زراعت، باغداری و دامداری) در نواحی روستایی کافی نبوده و بهره‌وری اقتصادی در این نواحی را- که بارشد طبیعی جمعیت، آن هم بیش از امکان اشتغال‌زایی محیط روستا مواجه است- با مشکل روبرو می‌سازد. اگر در پی توسعه روستایی و کارا کردن فضای روستایی از نظر بهره‌وری‌های اقتصادی می‌باشیم، باید در اندیشه تلفیق فعالیتها و از طریق آن، افزایش اشتغال در محیط روستا بود، تا با افزایش درآمد انواع فعالیتها در نواحی روستایی، ارتقاء سطح کمی و کیفی زندگی در نواحی روستایی عملی گردد، خود در ماندگاری جمعیت روستایی در محیط روستا مؤثر بوده و نیز زمینه‌های لازم برای توسعه روستایی را فراهم می‌نماید.

با نگرشی در تعاریف از روستا، مشاهده می‌شود که عمدتاً به محدودیت اقتصادی، فعالیت در زمینه‌های کشاورزی، پیوند عمیق فرهنگی، ضعف امکانات و نیز تفاوت با فضای شهری توجه نموده‌اند؛ قالبهایی که ایستایی یک فضای زیستی را نشان می‌دهد. بنابراین، در تعاریف جدید از روستا باید به این نکات مثبت توجه داشت که: روستا محیط زیست، کار و تلاش و تولید گروهی از انسانهاست که در گذشته، در نظام تولیدی خود بیش از محیط شهر وابسته به مکان روستا بوده‌اند. اقتضای زمان و مکان سبب دگرگونی در ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاها گردیده است. لذا بر عکس گذشته، در حال حاضر روستا مکان‌زیستی و تولید تعدادی از جمعیت می‌باشد که از نظر تعداد ساکنان دارای جمعیت کمتری نسبت به شهر است؛ زیرا برعکس گذشته، روند تولیدی و بهره‌وریهای اقتصادی نواحی روستایی به کلی دگرگون گردیده و روستاهای با اقتصادی تلفیقی و با استفاده از زیربخشهای اقتصاد (نظیر کشاورزی، انواع فعالیتهای صنعتی، خدماتی و توریستی و...) به تولید و بهره‌وری اقتصادی مشغولند.

روستاشیننی

هنوز هم بیشتر جمعیت جهان، ساکن در نواحی روستایی می‌باشند. در اغلب کشورهای رو به رشد، درصد بالایی از جمعیت آنها روستانشین بوده و از طریق فعالیتهای روستایی تأمین معاش می‌نمایند. در هنگ‌کنگ، سنگاپور و برخی کشورهای آمریکای لاتین، سکونت درصد کمی از جمعیت در نواحی روستایی، برای سطح توسعه آنها قابل توجیه است. در مقابل در آفریقا، به‌ویژه در بسیاری از کشورهای جنب صحرا، ۹۰ درصد جمعیت ساکن در نواحی روستایی می‌باشند. در این موارد، گوناگونی شدیدی بین کشورهای جهان سوم دیده می‌شود که تعبیر و تحلیل روابط آنها امری مشکل است. (۲۴)

فضای روستایی که ظهور آن در سیاره زمین به عنصر نوسنگی می‌رسد، با نخستین فعالیتهای کشاورزی و آمایش فضا به منظور تولید زراعی، از هفت هزار سال پیش از این، در مصر و بین‌النهرین آغاز شده است. (۲۵)

سابقه روستاشیننی در ایران نیز از قدمت بسیار برخوردار است؛ با نگاهی به توزیع تاریخی جمعیت در شهرها و روستاها معلوم می‌گردد که روستاها همواره بخش عمده‌ای از جمعیت کشور را در خود جای داده‌اند. سابقه و قدمت روستاشیننی در ایران، طی مطالعات و تحقیقات علمی و باستانشناسی به عمل آمده، به حدود ۵ هزار سال قبل از میلاد می‌رسد و روستاها تأمین‌کننده نیازهای زیستی و تغذیه‌ای جمعیت کشور بوده‌اند. بهره‌وری بهینه از امکانات تولیدی، به ویژه وجود امکانات و عوامل تولید مناسب در تعدادی از این روستاها، عامل افزایش جمعیت آنها و شکل‌گیری تعدادی از شهرها گردیده است. هر چند که مراکز بزرگ جمعیتی شهر قلمداد می‌شد؛ ولی در ایران بعد از اسلام، ظاهراً یکی از ممیزات شهر وجود منبر و مسجد جامع در آن بود؛ گویا اینکه بعضی از شهرها و ده‌ها دارای منبر بودند، ولی مسجد جامع نداشتند. (۲۶)

محیط جغرافیایی و تصمیمات سیاسی در توزیع جمعیت و شکل‌گیری شهرها و روستاها مؤثر بوده است. بنابراین با توجه به گستردگی کشور، انواع روستاها با اشکال گوناگونی از روستاشیننی را در ایران می‌توان مشاهده نمود. ولی در مجموع، شکل و سیمای کلی روستاهای ایران را در

گذشته می‌توان چنین به تصویر کشید: غالباً خانه‌های ده (حصار داشته باشد یا نه) به همدیگر چسبیده است؛ قسمت مرکزی ده را مسجد و دکان ده (در صورتی که ده دارای مسجد و دکان باشد)، تشکیل می‌دهد؛ در بسیاری موارد، دهت بزرگتر دارای کاروانسرا است، اما معمولاً کاروانسرا در حوالی ده ساخته می‌شود نه در داخل آن؛ در دهاتی که دارای باغ است، باغهای ده نیز معمولاً در کنار ده دیده می‌شود و جاهای درتر صحرا قرار دارد و پس از آن مراتع ده وجود دارد. با این همه، شکل و نقشه ده و زمینهای آن معمولاً نسبت به شکل زمین و دسترسی به آب فرنی می‌کند. در ده‌های کوهستانی احتیاج به دهان محصور کمتر احساس می‌شود؛ زیرا در بسیاری از موارد ده بر سر راه قوای مهاجم قرار نمی‌گیرد، یا ممکن است که موقعیت خود ده مجال تجاوز و حمله به کسی ندهد. اگر بنای ده محدود به دیوارهای ده شود، در این حال شکل بتواز زمینهای زراعتی در پیرامون آن مشاهده کرد؛ بلکه در این صورت ممکن است این زمینها در یک طرف ده امتداد یافته یا اینکه در بالا یا پایین ده قرار گرفته باشد؛ یعنی در جایی که ده وسعت می‌یابد و امر کشت و زرع را ممکن می‌سازد. (۲۷)

انجام امور مربوط به روستا به حالت مشارکتی، از ویژگیهای زندگی روستا و روستانشینی در ایران بوده است؛ زیرا از قدیمترین زمانها، دهکده یک واحد تشکیلاتی بوده که اساس حیات اجتماعی ایراز را تشکیل داده است و جایی بوده که در آن دسته‌هایی از مردم خود را برای همکاری اقتصادی و سیاسی متشکل می‌کرده‌اند. اهمیت ده به اعتبار اینکه یک واحد تشکیلاتی در زندگی روستایی است، در سراسر قرون وسطی و از آن پس تا امروز (۱۹۵۲ میلادی) برقرار بوده است.

مسکن واحد و منفردی که از ده مجزا باشد، هنوز در حکم استثناست نه قاعده کلی، و هر جا که مزرعه‌ای احداث شود، در غالب موارد این مزرعه تابع یک ده اصلی است. (۲۸) روستا در قدیم مشتمل بر چندین دهکده؛ و درست معادل با کلمهٔ امروزی دهستان بود، روستائیان از مردمی تشکیل می‌شدند که ساکن مناطق روستایی؛ یعنی دهکده‌ها بودند. در دورهٔ ساسانیان در رأس

دیه‌ها با مزارع تابعه آن، یا در رأس چند دیه (روستا) یک نفر دهبیگ یا دهگان قرار می‌گرفت که با تفاوت‌هایی وظایف کدخدایان را به عهده داشت. (۲۹)

اداره امور ده به عهده کدخدا بوده است؛ هر چند که مالک به طور مستقیم و یا از طریق میاشر خود، بر امور نظارت داشته؛ عامل اصلی در تعیین کدخدا بوده است.

مجلس دور اول در ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۵ ه. ق که مطابق با ۱۲۸۲ ه. ش بود، قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام را به تصویب رسانید. بر طبق این قانون اداره امور ده به کدخدا واگذار شده است و آن را در حد یک دایره حکومتی محسوب نموده‌اند؛ به این ترتیب که در سلسله مراتب حکومتی ابتدا حاکم و سپس نایب‌الحکومه، اداره نظمیه شهری و بلوکی و بالاخره در آخرین مرتبه، کدخدا آورده شده است.

قانون مزبور در این زمینه آورده است:

اداره کردن امور ده به عهده کدخداست که به رضایت اکثریت ساکنان ده و به تصویب مباشر و مالک و امضاء نایب‌الحکومه بدین سمت استقرار می‌یابد.

به این ترتیب کدخدا از نظر قانون‌گذاری مورد تأیید مردم، مالک و دولت است؛ ولی در عمل، مالک تعیین‌کننده بود و نظر روستائیان به دلیل عدم توان و قدرت اجتماعی، معمولاً ملاحظه نمی‌شد؛ ولی چون کدخدا از خود روستائیان بود. لذا اغلب مورد پذیرش روستائیان بوده و با مقاومت کمی از جانب روستائیان روبرو می‌شد. چنین فردی معمولاً تا وقتی که مورد تأیید مالک و دولت بود، منتدر بود و امکان اداره ده را داشت. (۳۰)

در سالهای اخیر، چهره و یافت روستانشینی در ایران به کلی تغییر یافته است. بعد از اصلاحات ارضی قدرت و حاکمیت مالک در اغلب روستاها وجود ندارد.

روابط شهر و روستا به دلیل افزایش ارتباطات و به ویژه سطح سواد و تحصیلات در نواحی روستایی، نسبت به گذشته تغییر یافته است. بسیاری از فرزندان روستایی دارای مشاغل کلیدی در نواحی روستایی و شهری گردیده و در تصمیم‌گیریهای مربوط به روستاها دخالت دارند. اقتصاد و

روستاها از حالت بسته و خودمصرفی خارج شده و شکل تجاری به خود گرفته است. در بسیاری از امور مربوط به روستا، روستائیان از مشاوره، راهنمایی و مشارکت فرزندان روستایی ساکن در نواحی شهری سود می‌برند. تأمین برق، مراکز آموزشی و بهداشتی، درمانی و غیره، سبب ایجاد تحولات شدید در زندگی روستایی و روستانشینی گردیده است. این تحولات در آینده با سرعت بیشتری همراه خواهد بود، لذا آینده‌نگری و برنامه‌ریزی جامع توسعه روستایی از ضروریات است.

تنوع محیطی در ایران سبب توزیع نامتعادل جمعیت در سطح کشور گردیده است. لذا توزیع جمعیت در روستاهای ایران نیز به هیچ وجه یکسان نیست و عوامل متعدد جغرافیایی چون توپوگرافی، اقلیمی، نوع خاک، میزان آب و نوع معیشت، فرهنگ و... در پراکندگی آن مؤثر است.^(۳۱) نواحی که از نظر منابع آب و خاک از توان و استعداد مطلوبتری برخوردار هستند، روز به روز رونق یافته و با جذب جمعیت از روستاهای پیرامون، به مرور با افزایش جمعیت تبدیل به شهرکها و شهرها گردیده‌اند (در چند دههٔ اخیر مهمترین ملاک تشخیص شهر از روستا عدد جمعیت بوده است، لذا روستانشینان در فضاهای جمعیتی کمتر از ۵ هزار نفر و اخیراً کمتر از ۱۰ هزار نفر زندگی می‌کنند) و از طرف دیگر روستاهای دورافتاده و حاشیه‌ای که دچار نوعی انزوای جغرافیایی هستند (به طور مثال روستاهای واقع در متهی‌الیه دره‌ها و...) به لحاظ تنگناهای توسعه فضایی (فیزیکی، اجتماعی - اقتصادی) روز به روز با کاهش و تخلیه جمعیت روبرو می‌گردند؛ به طوری که نسبت به ۱۰ سال گذشته (طی سالهای ۷۵-۱۳۶۵) حدود ۲۳ درصد آنها تخلیه شده‌اند.^(۳۲) همچنین در برخی از روستاها نیز، روند رشد جمعیت منفی است و رشد منفی جمعیت در تعدادی از این روستاها به بیش از ۳ درصد در سال می‌رسد. اگر در جایی نیز رشدی برای آنها وجود داشته باشد، بسیار اندک است.^(۳۳)

هر چند هنوز روند مهاجرت‌های روستایی که در دههٔ ۶۵-۱۳۵۵ حدود ۲۶/۳۸ درصد بوده و در پنج‌ساله ۷۰-۱۳۶۵ به حدود ۲۳/۳۰ درصد رسیده است؛ لیکن نمی‌توان کاهش نرخ مولید در

نواحی روستایی و کنترل جمعیت ناشی از فعالیتهای گسترده خانه‌های بهداشت روستایی را در این زمینه نادیده انگاشت.

آنچه مسلم است اینکه فضای روستایی برای زیست، تطابق بیشتری با خلق و خوی انسانها دارد. اگر بتواند برای زیستن امکانات کافی فراهم آورد، مسلماً در جذب جمعیت و عرضه قدرت بالقوه تولیدی خود موفق خواهد بود؛^(۳۴) اما نتایج تحقیقات علمی و تجارب عملی ثابت کرده‌اند که تأمین نیازهای جامعه روستایی به تنهایی نتوانسته است، موفقیت لازم را در این زمینه کسب کند؛ بلکه تأمین این نیازها، بدون وجود بستر اقتصادی مناسب در روستا، موجب افزایش روحیه مصرف، کاهش توان تولید، وابستگی شدید به شهر، تغییرات فرهنگی و بروز نیازهای بیشتر شده است^(۳۵) و در مواردی ایجاد تسهیلات زیربنایی، علاوه بر اینکه تأثیری در افزایش تولید ندارد، سبب هدر رفتن بودجه اندک نواحی روستایی می‌گردد. به طوری که در بین روستاهای تخریب شده، سرمایه‌های سنگینی از خدمات رفاهی (آب لوله کشی، حمام، برق و...) همپای امکانات خصوصی تولیدی آب و زمین، مسکن و تأسیسات مربوط، بر جای مانده است، که خود رقم سنگینی از ثروت ملی را تشکیل می‌دهد. بنابراین افزایش درآمد از طریق انواع فعالیتهای (نه فقط کشاورزی)، در ماندگاری روستا و روستانشینی بسیار مؤثر است.

شکی نیست که توان تولیدی نواحی روستایی، تنها در بهره‌وری کشاورزی خلاصه نمی‌شود. در کنار فعالیتهای کشاورزی، باید به سایر امکانات تولیدی نواحی روستایی که در بعضی از مناطق بیش از امکانات کشاورزی است، توجه داشت.^(۳۶)

بنابراین هر چند فضای روستایی از ابتدا حوزه فعالیتهای زراعی و شبنانی بوده است و امروزه نیز این فعالیتهای، سهم بالایی از مشاغل روستایی را به خود اختصاص می‌دهند؛ ولی این مسأله سبب زد استفاده از شکل‌های دیگر تولیدی در فضای روستایی نمی‌باشد. ایجاد پارک‌های جنگلی در نواحی روستایی، هم می‌تواند محلی برای گذران اوقات فراغت و مراکز تفریحات سالم و تمدد اعصاب برای ساکنین شهرها باشد، و هم از طریق جنگل‌کاری، منبع درآمد روستا را افزایش دهد؛

زیرا درآمدهای جنگلی در مراحل اولیه توسعه اقتصادی دارای اهمیت است. (۳۷) همچنین توجه به فعالیتهای صنعتی، گسترش توریسم داخلی و ناحیه‌ای، ارائه فعالیتهای خدماتی و خلاصه کلام این که، هر فعالیت سالم درآمدزا در محیط روستا، سبب بقای روستا و روستانشینی در ایران می‌باشد.

نتیجه

در تعاریف از روستا و روستانشینی که عمدتاً بر مبنای کارکردهای موجود در روستاها در مقاطع مختلف زمانی و مکانی مختلف بوده است، کاستیهایی مشاهده می‌شود. در بسیاری از این تعاریف، روستا به صورت محیطی بسته به ضعف کارکردی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ضعف امکانات رفاهی، آموزشی و بهداشتی مطرح شده است؛ در حالی که امروزه وضعیت اقتصادی اجتماعی و فرهنگی روستاهای ایران، به کلی متفاوت با وضعیت دهه‌های گذشته می‌باشد. اقتصاد تجاری بر بسیاری از روستاهای ایران حاکم گردیده و روستایی و کشاورز از عوامل تولیدی خود برای کسب درآمد بیشتر سود می‌برد. در زمینه اجتماعی و فرهنگی نیز با توجه به سهولت ارتباطی بین شهری و روستا و به‌ویژه بهره‌وری از امکانات رسانه‌های گروهی همچون رادیو و تلویزیون، روستاها نیز همانند شهرها از موانع مطلوب تری نسبت به گذشته برخوردار گردیده‌اند. در بسیاری از روستاها درصد قابل ملاحظه‌ای از جمعیت، به فعالیت در بخشهای صنعت و خدمات مشغول می‌باشند و هر ساله بر درصد و تعداد این نوع از فعالیتها در نواحی روستایی افزوده می‌شود. در حال حاضر روستاها مکانهای زیستی، تولیدی و فعالیت جمعیتی است که عمدتاً با تکیه بر توان تولیدی فضای زیستی خود، به تولید و بهره‌وری اقتصادی مشغولند. امکانات موجود در روستاها با تکیه بر تعداد جمعیت ساکن در روستاها شکل می‌گیرد؛ به طوری که روستاهای پرجمعیت از امکانات بیشتری برخوردار می‌باشند. این تفاوت در مکانهای شهری نیز مشاهده می‌شود؛ زیرا امکانات و تأسیسات موجود در شهرهای بزرگ، بسیار

گسترده‌تر از شهرهای کوچک است. بنابراین در حال حاضر، تنها تفاوت روستا از شهر به لحاظ تعداد جمعیت و امکانات ایجاد شده بر مبنای فراوانی جمعیت است.

منابع و یادداشتها

- ۱- تودار، مایکل: توسعه اقتصادی در جهان سوم، جلد اول، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۲۵۵.
- ۲- دهخدا، علی‌اکبر: لغت‌نامه، جلد ۲۶، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶، ص ۱۵۵.
- ۲- ابن حوقل: صورة الارض، ترجمه جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵، ص ۴۶.
- ۴- عمید، حسن: فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۷۱، ص ۱۰۷۲.
- ۵- خسروی، خسرو: جامعه دهقانی در ایران، انتشارات پیام، ۱۳۵۸، ص ۳۱.
- ۶- شهاب‌الدین ابی عبدالله یاقوت بن عبدالله، یاقوت حموی الرومی البعداوی: معجم البدان، ترجمه پروین گنابادی، جلد اول، باب سوم، بی‌جا، بی‌تا، ص ۳۷.
- ۷- لمتون. ا.ک. س: مالک زراع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲، ص ۳۷.
- ۸- فشارکی، پردخت: شهرگرایی روستا و معیارهای تفکیک آن از شهر، مجموعه مقالات سمینار جغرافی، انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵، ص ۲۸۶.
- 9- Laforge, jean, pour une analyse dialectique des concepts de development agricole et de development rural, Revue geographique des pyrenees et du Sud-ouest, 1986, F1/P64.
- ۱۰- ودیعی، کاظم: مقدمه‌ای بر روستاشناسی ایران، انتشارات مؤسسه آموزش و تحقیقات، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸، ص ۲۷.
- ۱۱- وثوقی، منصور: جامعه‌شناسی روستایی، انتشارات کیهان، ۱۳۶۶، ص ۱۵.

- ۱۲- ضیاء توانا، حسن: نگاهی کوتاه به روستا و مکانیزم تحول آن در ایران، مجله رشد آموزش جغرافیا، سال ششم، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۶۹، ص ۵.
- ۱۳- مهدوی حاجیلویی، مسعود: مفهوم برنامه‌ریزی روستایی و اهداف آن، پژوهش جغرافیا، شماره ۱۴، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹، ص ۵۱.
- ۱۴- مهندسان مشاور D.H.V از هلند: رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی، ترجمه سید ابوطالب فنایی، سیدجواد میر، ناصر اوکایی و مهدی گنجیان، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی جهاد سازندگی، ۱۳۷۱، ص ۱۱۸.
- ۱۵- عابدینی درکورش، سعید: درآمدی بر اقتصاد شهری، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲، ص ۱۷.
- ۱۶- فرید، یدالله: کاربرد جغرافیا در روش تحقیق شهر و روستا، انتشارات دانشگاه تبریز، چاپ دوم، ۱۳۷۲، ص ۲۰۵.
- ۱۷- همان منبع، همان صفحه.
- ۱۸- مطیعی لنگرودی، سید حسن: جغرافیای اقتصادی خراسان، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳، ص ۴۷.
- ۱۹- مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن، نتایج تفصیلی کل کشور، سالهای ۷۵-۱۳۳۵، ص ۴.
- ۲۰- فشارکی، پریدخت، ۱۳۷۵، ص ۱۸.
- ۲۱- سعیدی، عباس: مبانی جغرافیای روستایی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، تهران، ۱۳۷۷، صص ۱۹ و ۱۸.
- ۲۲- حسینی ابری، سید حسن: روستا در مفهوم واقعی آن: فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۵۲، ۵۲ و بهار و تابستان، ۱۳۷۸، ص ۶۲.
- ۲۳- حسینی ابری، همان منبع.

- ۲۵- دولفوس، اولیویه: فضای جغرافیایی، ترجمه سیروس سهامی، نشر نیکا، ۱۳۶۹، ص ۱۰۰.
- ۲۶- قمی، حسن ابن محمد بن حسن. تاریخ قم، تصحیح سیدحلال الدین تهرانی، مطبعة مجلس، ۱۳۱۳، ص ۱۷۱.
- ۲۷- لمتون، ا.ک.س، ۱۳۶۲، ص ۴۵.
- ۲۸- لمتون، ا.ک.س، ۱۳۶۲، ص ۳۷.
- ۲۹- خسروی، خسرو، ۱۳۵۸، ص ۲۹.
- ۳۰- طالب، مهدی: مدیریت روستایی در ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، ص ۷.
- ۳۱- مهدوی حاجیلویی، مسعود: جغرافیای روستایی ایران، انتشارات پیام نور، ۱۳۷۴، ص ۱۵۰.
- ۳۲- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۵، ص ۵ و ۶.
- ۳۳- حسینی ابری، سیدحسن، ۱۳۷۸، ص ۵۸.
- ۳۴- مطیعی لنگرودی، سیدحسن: عمران فضای روستایی ایران، مجموعه مقالات همفتمین کنگره جغرافیایی ایران، انتشارات مؤسسه جغرافیایی دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ص ۲۸۹.
- ۳۵- رفیع پور، فرامرز: جامعه روستایی و نیازهای آن، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۵.
- ۳۶- مطیعی لنگرودی، سیدحسن، ۱۳۷۰، ص ۲۸۹.

37- Guinand. Th, Revenus forestiers et: development communal, Revue de geographie alpine, Tom

LXXXVI, 1988, 4, p.363.

Technique des perceptions et du Sol-canal, 1986, FLP/4.

تهران، ۱۳۶۸، ص ۲۷.

۱- دولفی، مسعود: جغرافیای روستایی، انتشارات گهان، ۱۳۶۶، ص ۲۲.

34- Dixon, Grah, Rural Development in the third world, Routledge, London, 1987, p. 27.